

حکم فقهی پیاده روی برای زیارت قبور اولیای الهی و اماکن مقدس

مهدی درگاهی*

چکیده

هر چند فضیلت پیاده روی برای زیارت قبر امام علی (ع) و امام حسین (ع) در برخی نصوص روایی منعکس گردیده و فقهای مذهب جعفری با تکیه بر آن به استحباب پیاده روی برای زیارت آن دو امام همام (ع) حکم کرده اند، ولی استحباب آن برای زیارت سایر قبور معصومان (ع) و امامزادگان (ع) و اماکن مقدس، از منظر فقه، چندان هویدا نیست؛ زیرا تحقیقی موسع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است. از این رو پرسش از حکم تکلیفی پیاده روی برای زیارت قبور مطهر اولیای الهی (ع) و اماکن مقدس، نیازمند پاسخی درخور است. توجه به برخی وجوه و مبانی در شناسایی فضیلت پیاده روی برای زیارت، نشان از بدعت نبودن آن و استحباب و فضیلت پیاده روی برای زیارت تمام قبور مطهر و اماکن مقدس است. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین حکم پیاده روی برای زیارت قبور اولیای الهی (ع) و اماکن مقدس انجام شده و نیل به این مقصد در سایه تحلیل گزاره های فقه اسلامی، با گردآوری داده های کتابخانه ای، میسر است که نتیجه آن، حکم به فضیلت و استحباب پیاده روی برای زیارت قبور حضرات معصومین (ع) و فرزندان ایشان (ع) و اماکن مقدس است.

کلیدواژه: حکم تکلیفی، پیاده روی، زیارت، زیارت اولیای الهی، اماکن مقدس.

* دانش آموخته سطح چهار حوزوی و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

(aghigh_573@yahoo.com)

مقدمه

زیارت، دیدارِ کسی یا چیزی با قصدِ پیشین است؛ اعم از اینکه حیات داشته باشد یا نداشته باشد. (فیومی، ج ۲، ص ۲۶۰؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۲۰) این دیدار افزون بر واقعیتِ اجتماعی، دارای واقعیتی دینی است و مصادیق مختلفی دارد؛ مانند زیارت اماکن مقدس و متبرک، و زیارت قبور مطهر و مقدس اولیای دین و مذهب. مراد از اماکن مقدس، مکان‌هایی است که در شریعت اسلام شأن و منزلتی متمایز از سایر مناطق مشابه داشته باشد. این منزلت و فضیلت گاهی به صورت خاص و همراه با جعل احکام شرعی و ثوابی ویژه برای آن اثبات می‌شود، به طوری که موجب تعظیم و تکریم و زیارت آن اماکن است تا با عمل کردن به آن احکام خاص، از ثواب ویژه آن بهره‌مند گردند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۴۲؛ شهید اول، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۶۴؛ حصکفی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۶۲۷) این اماکن شامل مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجدالأقصی، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد قبا و مسجد خیف می‌شود.

بنا بر گزارش‌های رسیده از پیامبر اکرم ﷺ (نسایی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۹۰) و اهل بیت گرامی ایشان علیهم‌السلام (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۱) جایگاه ممتاز و ویژه این اماکن، سبب فضیلت نماز گزاردن در آن نسبت به سایر مساجد است. که خود این اماکن نیز در فضیلت یکسان نیستند؛ بلکه برخی برترند. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۸۳ - ۲۹۰؛ متقی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۲۳۴ - ۲۵۸، ۲۷۱ - ۲۷۳) فقهای مذاهب اسلامی نیز، اعم از شیعه و سنی، در کتب فتاویی خود، به تبعیت از مضامین احادیث، به فضیلت نماز در مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالأقصی در مقایسه با یکدیگر (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۱۰۶ و ج ۱۳، ص ۱۶۵ و ج ۱۷، ص ۹۱ و ج ۱۸، ص ۱۴) و آن سه در مقایسه با مساجد «قبا»، «خیف»، «کوفه» و «سهله»، تصریح کرده‌اند (غزالی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۷۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق،

ج ۲، ص ۴۰۱) و زیارت این مساجد را به منظور اقامه نماز در آن و بهره‌مندی از اجر و ثواب وافر آن، مستحب دانسته‌اند (نووی، ج ۸، ص ۲۷۸؛ ابن عبدالواحد، ج ۳، ص ۱۷۹؛ شربینی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۵۱۲) هر چند برخی (ابن تیمیه، ۱۹۹۵م، ج ۲۶، ص ۸۳ و ۸۴) با استناد به اخبار شدّ رحال (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰۵) معتقدند تنها برای سه مسجد نخست می‌توان سختی سفر را برای زیارت و نماز گزاردن در آن تحمل کرد. (ابن تیمیه، ۱۹۹۵م، ج ۲۷، ص ۱۲) ولی روشن است که حصر ناشی از اسلوب «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ» نسبی، و نهی آن، تنزیهی و ارشادی است.

پس مساجد، محل عبادت و نماز خواندن هستند و در فضیلت با هم فرقی ندارند؛ مگر آنکه با توجه به دلیل معتبری افضلیت آن بر بقیه ثابت شود (ر.ک: شهید اول، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۱) و ذکر سه مسجد در گزارش فوق، منافاتی ندارد که در گزارش‌های دیگر به افضلیت مسجدی غیر از آن سه، مثل مسجد قبا (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۶)، مسجد کوفه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۰ - ۴۹۴؛ ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۷ - ۳۳)، مسجد سهله (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴) و مسجد خیف (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۹۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۴) اشاره شود. (ابن قدامه، ج ۳، ص ۴۸۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۷۴) البته مطلوبیت نماز در مسجد کوفه و سهله تنها نزد مذهب جعفری ثابت است. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۴۷)

بر خلاف موارد پیشین، اماکن، مشاهد و مساجدی وجود دارد که گزارش خاصی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام، مبنی بر فضیلت زیارت آنها وجود ندارد. این اماکن و مساجد تنها یادآور حادثه و رویدادی است که در آنجا اتفاق افتاده است و فضیلت زیارت آن با برخی اطلاعات و عموماً شرعی، قابل اثبات است؛ بدون اینکه احکام و ثواب ویژه‌ای برای برخی اعمال در آنجا فرض گردد؛ به عبارت

دیگر، سفر کردن مسلمانان به سوی این اماکن و زیارت آنها از این نظر نیست که در شرع، دستوری در این مورد وارد شده است یا عملی در آن اماکن دارای فضیلت بیشتری است؛ چراکه ادعای آن موجب تشریح و عمل کردن به آن ادعا، موجب بدعت در دین است؛ منتها سفر کردن برای زیارت آن اماکن، از باب یادآوری و پند گرفتن از حوادث صدر اسلام و سختی‌های مسلمانان آن دوران (ر.ک: یوسف: ۱۰۹؛ ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴؛ سیوطی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۰۳)، یا از باب تعظیم و بزرگداشت و تبرّک به آثار بر جای مانده از رسول خدا است. (ر.ک: ابن سعد، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۵۴؛ ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۳۳، ص ۸۱ و ج ۵۴، ص ۱۵۷)؛ همان بیوتی که مشمول آیه شریفه «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور، ۳۶) است. (ر.ک: نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۵، ص ۲۳۷؛ عینی، ج ۲۱، ص ۲۰۴). از باب مثال، حکم به استحباب زیارت مساجد سبعة (ر.ک: جمل، ج ۵، ص ۵۴)، مسجد اجابه (ر.ک: نووی، ج ۸، ص ۲۷۶)، مسجد غمامه (ر.ک: شربینی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۵۱۲) و بئر اریس (ر.ک: ابن حجر هیتمی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۸۵) و ... در مدینه منوره (غزالی، همان، ج ۱، ص ۲۶۰؛ رملی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۰؛ ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴)؛ مولد النبی ﷺ غار حراء و غار ثور در مکه مکرمه از این باب است. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۹۵؛ کاشف الغطاء، ص ۱۶۰؛ سبزواری، ۱۳۸۸ق، ج ۱۴، ص ۴۰۰)

مراد از قبور مطهر اولیای دین و مذهب، قبور معصومان علیهم السلام و فرزندان ایشان (امامزادگان) و صالحان و بزرگان دین و مذهب که دوستدار و برادر اهل بیت علیهم السلام هستند، می‌باشد.

سیره اهل بیت علیهم السلام در زیارت قبور معصومان علیهم السلام و بیانات آنان در مورد مُشوق‌های زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام و قبور صالحان و بزرگان دین و مذهب، از دیرباز در قالب تک‌نگاری‌هایی به نام «کتاب المزار» و «کتاب الزیارات» تدوین، و شیخ حر عاملی

(م ۱۱۰۴ق.) در کتاب «وسائل الشیعه» آن را تفکیک، و تحت عنوان «أبواب المزار و ما یناسبه» مرتب کرده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۷۵ - ۵۷۳) البته توجه به اوضاع دوران حضور ائمه علیهم السلام، نشان می‌دهد که وضعیت جامعه همواره به گونه‌ای نبود که امکان زیارت علنی قبور برخی از اهل بیت علیهم السلام فراهم باشد؛ مثلاً در روایتی از امام جواد علیه السلام، پس از ذکر فضیلت زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارشان، آمده است: «لا ینبغی أن یفعلوا هذا الیوم فإنّ علینا وعلیکم خوفاً من السلطان وشنعة» (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۰۶) یا در برخی روایات آمده است که چنانچه در زیارت قبر مطهر امام موسی کاظم علیه السلام ترس وجود دارد، زیارت از پشت دیوار حرم (مخفیانه) صورت گیرد: قال علیه السلام: «سَلِّمْ مِنْ وَرَاءِ الْجِدَارِ». (همان، ۱۳۹۸ق، ص ۲۹۹، ح ۵)

در هر حال، زائر می‌تواند پیاده به زیارت قبور مطهر و اماکن مقدس برود؛ همان‌طور که ممکن است راه را سواره طی کند. در شریعت اسلامی، مستحب بودن پیاده‌روی با پای برهنه یا بدون آن در چند مورد وارد شده است. استحباب پیاده‌روی به سوی مساجد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۰۰ و ۲۰۱)؛ استحباب پیاده‌روی در تشییع جنازه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۵)؛ استحباب پیاده‌روی امام هنگام رفتن به مصلا در نماز عید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۵۴ و ۴۵۵)؛ استحباب پیاده‌روی برای حج (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۷۸ - ۸۰)؛ استحباب پیاده‌رفتن برای رمی جمرات (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۶۳)؛ استحباب پیاده‌رفتن به زیارت مؤمن (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۹۰، ح ۵؛ باب استحباب زیارة الاخ المؤمن)؛ استحباب پیاده‌روی در زیارت قبر امیر مومنان علیه السلام (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۸۰ - ۳۸۲) و امام حسین علیه السلام. (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۳۲ - ۱۳۵)

با نگاهی به گزارش‌های رسیده از اهل بیت علیهم السلام و فتاوی علمای ذیل آن، روشن می‌شود که استحباب پیاده‌روی در برخی عبادات، در فرهنگ فقه جعفری، ناشناخته نیست و نظایری دارد که علما، با توجه به منصوص بودن آن، تنها به ذکر موارد

مذکور بسنده کرده و فتوای خود را ابراز کرده‌اند. (مفید، ۱۴۱۳ق، المقنعة، ص ۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۳۷۶؛ محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۲۲). فتاوای فقهی علما و فقها در اعصار مختلف بر استحباب زیارت با پای پیاده برای زیارت قبر مطهر امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام، که بر نصوص معتبر روایی از اهل بیت علیهم السلام مبتنی است، موجب شد تا شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت در برخی ایام سال، از شهرهای گوناگون، انفرادی یا گروهی در قالب کاروان‌های زیارتی با پای پیاده برای زیارت به سمت حرم‌های آن دو امام عظیم‌الشأن رهسپار شوند که شدت و ضعف آن در هر عصر، با توجه به اوضاع شیعیان، متفاوت بوده است. حضور پر رنگ زائران در زیارت آن دو امام همام علیهم السلام، یکی از شاخص‌ترین نمادهای عشق و پیوند قلبی محبان اهل بیت علیهم السلام با ایشان است.

توجه به منصوص بودن پیاده‌روی برای زیارت قبر آن دو امام همام علیهم السلام، موجب شد فتاوای فقهای مذهب به همین دو مصداق معطوف شود؛ به گونه‌ای که وقتی از استحباب پیاده‌روی برای زیارت قبر امام رضا علیه السلام از برخی استفتاء می‌شود، در جواب تنها به منصوص بودن استحباب پیاده‌روی برای زیارت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشاره می‌کنند (حائری، ص ۱۲۸).

آنچه باعث می‌شود تا اندیشه‌وران حوزه فقه و فقاہت در مورد پیاده‌روی به اماکن مقدس تأمل بیشتری کنند و حکم آن را صریح و شفاف بیان نمایند، این است که امروزه عموم علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، با تعمیم استحباب پیاده‌روی به تمام مصداق زیارت، معتقدند که پیاده‌روی برای زیارت همه معصومان علیهم السلام و حتی امامزادگان و قبور صالحان و اماکن مقدس در شریعت اسلامی منصوص است و پیاده به زیارت رفتن، دارای فضیلت به مراتب بیشتری است.

نویسنده در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که حکم فقهی پیاده‌روی برای زیارت قبور همه اهل بیت علیهم السلام و اماکن مقدس چیست؟ آیا می‌توان فضیلت

پیاده‌روی برای زیارت قبر امیر مؤمنان، علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را، که در منابع روایی و فتوایی منعکس شده است (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۳۲ - ۱۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱)، به تمام ائمه معصومین علیهم السلام و حتی امامزادگان و اماکن مقدس تسری داد؟ و آیا عموم و اطلاق فوقانی در این مسئله وجود دارد تا فضیلت پیاده‌روی برای زیارت مصادیق مذکور را توجیه کند و بتواند مبانی صدور حکم شرعی قرار گیرد یا خیر؟

پاسخ به این سؤالات در گرو تبیین وجوه و مبانی مُحمّتل در صدور حکم به استحباب پیاده‌روی در مطلق زیارت است که به تفکیک در پنج وجه ارائه می‌شود تا اندیشمندان و دانشوران حوزه فقه جعفری با عنایت به آن، به استخراج حکم پیاده‌روی برای زیارت در مصادیق گوناگون بپردازند.

وجه اول: تسری فضیلت و استحباب پیاده‌روی از برخی موارد به مصادیق زیارت

در این بخش، با توجه به ادله‌ای که بر استحباب و فضیلت پیاده‌روی برای زیارت قبر امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام تصریح دارند و ادله‌ای که بر استحباب زیارت مؤمنان، و ادله‌ای که بر استحباب پیاده‌روی به سوی مساجد دلالت دارد، وجه تسری فضیلت پیاده‌روی برای زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام و امامزادگان و صالحان و بزرگان دین و مذهب، و زیارت برخی اماکن مقدس که مسجد نیز هستند، تبیین می‌شود:

الف) تسری فضیلت پیاده‌روی برای زیارت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام به قبور اولیای الهی

ابن قولویه (م ۳۶۷ق.) در باب «ثواب من زار الحسين راكبا او ماشيا و مناجاة الله لزارته»، ده حدیث از اهل بیت علیهم السلام گزارش کرده که بر فضیلت پیاده‌روی در راه زیارت امام حسین علیه السلام دلالت دارد. (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۳۲ - ۱۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق،

المزار، ص ۳۰)؛ شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق.) نیز در باب «فضل زیارة امیرالمؤمنین (ع)» دو روایت (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۰ - ۲۱) و مشهدی (م ۶۱۰ ق.) یک روایت (مشهدی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۴۰) از اهل بیت (ع) گزارش می‌دهند که حاکی از فضیلت پیاده‌روی برای زیارت قبر امام علی (ع) است.

توجه به کثرت مضمون و استفاضه روایات در فضیلت پیاده‌روی برای این زیارت دو امام همام (ع) و (ع)، مخصوصاً در زیارت امام حسین (ع)، ثابت می‌کند که پیاده‌روی در زیارت امام علی (ع) و امام حسین (ع) مستحب است. ممکن است اشکال شود روایات در مقام بیان ثواب اصل زیارت است و ناظر به افضلیت پیاده بر سواره در راه زیارت نیست، ولی نگاهی به روایات و دقت در برخی تعابیر به اینکه برای هر قدمی که در راه زیارت برداشته می‌شود چنین و چنان داده می‌شود، یا کوتاه کردن قدم‌ها در راه زیارت که ناظر به کمیت قدم‌ها در پیاده‌روی است، به روشنی نشان دهنده افضلیت پیاده‌روی در راه زیارت است.

با عنایت به مقدمه مذکور، تقریب استدلال در توجیه تسری فضیلت پیاده‌روی در زیارت همه معصومان (ع)، چنین است: شیخ صدوق در گزارشی معتبر از امام رضا (ع) چنین نقل کرده است: «قُلْتُ لِلرَّضَا (ع): مَا لِنَ أَتِي قَبْرَ أَحَدٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ (ع)، قَالَ: لَهُ مِثْلَ مَا لِنَ أَتِي قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع). قُلْتُ: مَا لِنَ أَتِي قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ (ع)؟ قَالَ: مِثْلَ مَا لِنَ أَتِي قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)». (صدوق، ۱۴۰۶ ق، ص ۹۸) ابن قولویه و مشهدی نیز این روایت را گزارش کرده‌اند. (ابن قولویه، ۱۳۹۸ ق، ص ۳۰۰، ح ۱۰؛ مشهدی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۲).

توجه به استعمال واژه «مَنْ أَتَى» در روایت مذکور به جای «مَنْ زَارَ» در کلام راوی و امام معصوم (ع) و اطلاق تنزیل در کلام امام (ع) در جمله «لَهُ مِثْلَ مَا لِنَ أَتِي...»، موجب می‌شود تا مفاد روایت مذکور، دیگر ائمه (ع) را به طور عموم شامل شود و پاداش‌های موعود برای زیارت اباعبدالله (ع) را برای زائران دیگر امامان (ع) تأیید می‌کند. امام رضا (ع) ثواب‌های مزبور را چه برای سوارگان و چه پیادگان، که برای

زیارت معصومین علیهم السلام حرکت می‌کند، تضمین کرده است. بنابراین حکم به تسری استحباب و فضیلت پیاده‌روی برای زیارت هر یک از معصومان علیهم السلام بدون نیاز به القای خصوصیت و تنقیح مناط و امثال آن، تنها با توجه به گزارش مذکور ممکن است. عنایت به مقام علمی راوی حدیث (حسن بن علی و شاء)، که به تصریح بزرگان جرح و تعدیل از وجوه و بزرگان اصحاب ائمه است، اطلاق و عموم تنزیل را تأیید می‌کند.

برای تسری فضیلت پیاده‌روی به امامزادگان و صالحان و علما می‌توان از برخی گزارش‌های دیگر بهره برد. ابن قولویه (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۱۹) در گزارشی از حضرت علی بن موسی علیه السلام و شیخ مفید (م ۴۱۳ق.) (مفید، ۱۴۱۳ق، المزار، ص ۲۱۶) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۴) از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و شیخ صدوق (م ۳۸۱ق.) (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۳) از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام این گونه نقل کرده‌اند که فرمودند: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا»^۱ با تصریح این روایت، که با سندهای متعدد و از چندین امام معصوم نقل شده است، زیارت صالحان و دوستان و محبان اهل بیت علیهم السلام، همان ثواب وعده داده شده برای معصومان علیهم السلام را دارد و وقتی افضیلت پیاده‌روی در زیارت آن بزرگواران ثابت گردد، همان ثواب برای صالحان و دوستان اهل بیت علیهم السلام نیز ثابت است. والله العالم المتعال.

ب) تسری فضیلت پیاده‌روی برای زیارت مؤمنان به قبور آنان

برخی گزارش‌ها از استحباب پیاده‌رفتن برای دیدار مؤمن حکایت دارد. شیخ صدوق، به اسناد خود در ضمن حدیثی مفصل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، گزارش می‌دهد که فرموده‌اند: «مَنْ مَشَى زَائِرًا لِأَخِيهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ عِتْقُ مِائَةِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ يَرْفَعُ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَيَمْحَى عَنْهُ مِائَةُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۳)

با توجه به مفاد گزارش مذکور، وقتی پیاده‌رفتن به زیارت مؤمن، چنین ثوابی

داشته باشد، پیاده‌روی برای زیارت قبور صلحا و بزرگان دین و مذهب، مخصوصاً امامان معصوم که در صدر مؤمنان و حجج الهی در زمین‌اند، به طریق اولی مستحب خواهد بود. ممکن است گفته شود این استحباب به زمان حیات اختصاص دارد، همان‌طور که در گزارش پیشین (مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيُزِرْ صَاحِبِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا) نیز کلامی در زیارت قبور آنان نیست. پس شامل زیارت ایشان پس از مرگ نمی‌شود. ولی به نظر می‌رسد این احتمال که فضیلت پیاده‌روی برای زیارت مؤمنان تنها به زمان حیات آنان اختصاص داشته باشد و زمان مرگ آنان را شامل نباشد، مخدوش است و توجه به آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (آل عمران: ۵۹) موجب القای خصوصیت حیات برای اثبات رجحان پیاده‌روی خواهد بود.

ج) تسری فضیلت پیاده‌روی به سوی مساجد به برخی اماکن مقدس

شیخ حرعاملی در «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْمَشْيِ إِلَى الْمَسْجِدِ» (حرعاملی، ج ۵، ص ۲۰۰ و ۲۰۱) از شیخ طوسی و شیخ صدوق در قالب سه روایت با چندین سند، گزارش‌هایی را نقل می‌کند که حاکی از استحباب پیاده‌روی به سوی مساجد است. هر چند هر یک از روایات مذکور با دقت‌های رجالی صلاحیت احتجاج ندارند، ولی تعدد روایان با سندهای متعدد و متنوع، نشان از عدم تعاطی روایان بر کذب است و موجب اعتبار آن می‌شود. در این روایات آمده است: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ» یا «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ»، پس برای او چنین و چنان اجر و پاداش خواهد بود.

پس اماکن مقدسی که مسجد هستند، مثل مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و مانند آنها، در عموم ناشی از الفاظ و اسلوب «مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ» یا «المسجد» داخل‌اند و پیاده‌روی به سوی آنها از این باب، فضیلت دارد و حکم به استحباب آن، به شرطی که برای زیارت مسجد گام بردارد، بدون اشکال است.

وجه دوم: تسری فضیلت پیاده‌روی به تمام مصادیق زیارت، با توجه به نصوص عام در شریعت اسلامی

در این بحث، به عمومات و اطلاعاتی که ممکن است از مفاد آن برای اثبات افضلیت پیاده‌روی برای زیارت بهره جست، اشاره می‌شود:

الف) عمومات حاکی از افضلیت و مشی در همه عبادت

در لابه‌لای گزارش‌هایی که شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق.) در «بَابِ اسْتِحْبَابِ اخْتِيَارِ الْمَشْيِ فِي الْحَجِّ عَلَي الرُّكُوبِ» از منابع روایی جمع‌آوری کرده است. (حر عاملی، ج ۱۱، ص ۷۸)، برخی روایات عام وجود دارد که فضیلت پیاده‌روی را برای هر عبادتی مطرح می‌کند و از آنجا که زیارت قبور اولیای دین و اماکن مقدس است و با قصد قربت از مستحبات است، پیاده‌روی برای زیارت مصادیق مذکور نیز مستحب خواهد بود.

شیخ طوسی در خبری صحیح از عبدالله بن سنان از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمَشْيِ وَلَا أَفْضَلَ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱) این گزارش مطلق است و مفاد آن، چنان‌که محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق.) نیز تصریح کرده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۱۸)، بر افضلیت پیاده‌روی در همه عبادات از جمله زیارت اولیای دین و مذهب و اماکن مقدس، صلّه‌رحم، یادگیری و تعلّم، نماز خواندن در مسجد و... دلالت دارد. ممکن است گفته شود چون بزرگان این روایت را حدیث در باب افضلیت مشی در حج آورده‌اند و روایات دیگری نیز در این باب با این مضمون وجود دارد، پس شمول روایت مذکور به همه عبادات مخدوش است و روایت، ناظر به باب حج است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۳۱۱) ولی در پاسخ باید گفت فهم صاحبان کتب روایی، در باب‌بندی روایات، نمی‌تواند دلیلی برای انصراف روایت به باب حج باشد؛ همان‌طور که وجود روایات دیگر در باب حج، نمی‌تواند شمول روایت مذکور در ابواب دیگر عبادات را تحت‌الشعاع قرار دهد.

ب) عموم روایت «افضل الأعمال أحمزها»

در منابع روایی، متن مذکور در الغارات (محمد بن هلال، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۴۶) و عوالی اللئالی (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۰۵) از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گزارش شده و در برخی کتب لغوی از ابن عباس به صورت مرفوع چنین نقل شده است: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: «أَحْمَزُهَا». (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ج ۳ ص ۱۶۸)

بسیاری از علما، با مبانی مختلف در اخذ به روایات، به این روایت عمل کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۱؛ محقق ثانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۵۰) تا جایی که بعضی آن را نزد فریقین مشهور و معمول دانسته‌اند (شیخ بهایی، ۱۳۸۴ق، ص ۷۲؛ صاحبقرانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۲۲۹ و ۲۳۰) شهرت عملی و بلکه بالاتر، تسالم علمای فریقین از دیرباز، نشان از اعتبار حدیث مذکور است که مفاد آن از افضلیت پیاده‌روی برای زیارت قبور مطهر و اماکن مقدّس حکایت دارد؛ چه اینکه بی‌شک زیارتی که با پای پیاده انجام گیرد، سخت‌تر از زیارتی است که سواره محقق شود.

ج) عموم روایت «مَنْ اغْبَرَّتْ قَدَمَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَرَمَهَا اللَّهُ عَلَيَّ النَّارِ»

گزارش مذکور از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در منابع روایی اهل سنت موجود است؛ (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۹؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۶۷ و ج ۳، ص ۴۷۹ و ج ۵، ص ۲۲۵ و ۲۲۶) نخستین بار قاضی ابن براج (م ۴۸۱ق.) برای اثبات استحباب پیاده‌رفتن امام به سوی مصلی از آن بهره برد و آن را در کتاب خود ذکر کرد. (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۰) بعد از او محقق حلی (م ۶۷۶ق.) (محقق حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۱۷)، علامه حلی (علامه حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۵)، شهید اول (م ۷۸۶ق.) (شهید اول، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۴۴۹)، راشد صیمری (م ۹۰۰ق.) (راشد صیمری، ۱۴۱۷ق، ص ۳۰۱) محقق ثانی (م ۹۴۰ق.) (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق،

ج ۲، ص ۴۴۴)، و دیگران (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۷۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۰۴ و ۱۶۸)، روایت مذکور را در کتب فقهی خود ذکر و در فرع مذکور و فروع دیگر، برای اثبات افضلیت پیاده روی به آن استناد کرده اند.

بنا بر مفاد حدیث، هر کس قدم هایش در راه خدا غبار آلود گردد، خداوند قدم های او را بر آتش جهنم حرام خواهد کرد. از آنجا که زیارت قبور اولیای الهی و اماکن مقدس، یکی از مصادیق «فی سبیل الله» است، پس همان طور که محقق اردبیلی تصریح کرده است می توان از گزارش مذکور برای اثبات افضلیت پیاده روی برای زیارت نیز بهره برد. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰۸)

وجه سوم: پیاده روی مصداق تعظیم شعائر

قرآن مجید تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب و تسلط پرهیزگاری بر دل ها می داند، آنجا که می فرماید: «مَنْ يَعْظُمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ «هر کس شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند، آن نشانه تقوای دل هاست». (حج: ۳۲)

شعائر جمع مُکسر و از ماده «ش - ع - ر» است و مفرد آن یا «شعیره» به معنای نشانه و علامت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۱۴؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۷۹) یا «شعار»، با کسر شین، به معنای علامت، یا اعلان و مناسک حج (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۶).

واژه شعائر در قرآن کریم افزون بر آیه مذکور در سه آیه دیگر نیز استعمال شده است (بقره، ۱۵۸؛ حج، ۳۶؛ مائده، ۵) و دیدگاه ها در خصوص مفهوم شعائر در برخی کتب تفسیری گردآوری، و در چندین احتمال از عطا و دیگران، سُدی، ابن جریر، ابن عباس، مجاهد، ابوعلی جبایی، زجاج و مغربی و بلخی ذکر شده است. (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۱۹؛ طبرسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۲) با دقت در تمام احتمالات، به نظر می رسد معنا و مفهوم شعائر همان علائم و نشانه های دین خدا

است و اختلاف دیدگاه‌ها در مورد مصادیق آن است؛ یعنی برخی معتقدند شعائر یا تنها شامل قربانی حج است که علامت‌گذاری شده باشد، یا شامل تمام مناسک و اعمال حج است و یا موضع و جایگاه اعمال و عبادات حج را شامل است. در احتمال آخر نیز، شعائر شامل تمام نشانه‌های دین و طاعت خداوند بزرگ و متعال است. هرچند در آیات و روایاتی (نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۱۸۱) که شعائر در آنها استعمال شده به هر یک از سه احتمال اول بر مصداق تطبیق شده است، ولی از آنجا که عموم لفظ و معنای لغوی شعائر حاکی از مصادیق کامل نشانه‌های دین الهی است و مورد مخصص نیست، پس آیه شریفه بر مطلوبیت تعظیم و بزرگداشت هر علامت و نشانه دین خداوند دلالت دارد. از جمله دلایلی که صحت گستردگی مفهوم شعائر را تأیید می‌کند، این است که در برخی از آیاتی که شعائر در آن استعمال شده، کلمه شعائر با «مِن» تبعیض همراه است. (میر عبدالفتاح، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۵۸) و از طرف دیگر در آیه شریفه «مَنْ يَعْظُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» شعائر به چیزی از قبیل صفا و مروه و مشابه آن مقید نشده است. از این رو هر چه به یادآورنده خدا و از آیات و نشانه‌های دین و اطاعت خدا باشد، شعائر است. این نظر، جامع تمام نظریات دیگر می‌باشد و مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است. (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۱۳، ص ۷۰۶؛ طبرسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۲ و ج ۷، ص ۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۴)

مسئلاً اولیای الهی از بزرگ‌ترین و بارزترین نشانه‌های دین الهی هستند که وسیله ابلاغ دین، و مایه گسترش آن در میان مردم بوده‌اند و یکی از طرق بزرگداشت، تکریم و تعظیم آنان، زیارت قبور مطهر ایشان با پای پیاده، همراه با حفظ حرمت و تکریم و صیانت از مُحرمات است؛ یعنی پیاده‌روی به سمت حرم‌های اولیای الهی و اماکن مقدّس، آن هم به صورت گروهی و انبوه، یکی از مصادیق بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی است و از این رو دارای رجحان و فضیلت است.

وجه چهارم: پیاده‌روی مصداق تواضع و تذلل بیشتر

از برخی روایات استفاده می‌شود که حکمت حکم به استحباب پابرهنگی هنگام زیارت مسجدالحرام و کعبه مکرمه، تواضع و خشوع در برابر خداوند است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۹۸) توجه به این حکمت موجب شد اندیشمندان حوزه فقه اسلامی، با عنایت به روایات، در کنار آداب جوارحی، آداب جوانحی را نیز مطرح کنند؛ چه اینکه رعایت آداب جوانحی، آداب جوارحی را با «معرفت» همراه می‌سازد. (ر.ک: سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۳۷؛ ابن حجر هیثمی، ۲۰۰۰م، ص ۸۹؛ نراقی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۷۴۰؛ قمی، ۱۳۸۳ش، ص ۳۴) حکمت مذکور در اصل پیاده‌روی در راه زیارت اولیای الهی و اماکن مقدس نیز جریان دارد؛ چه اینکه زیارت با پای پیاده نمایانگر تواضع زائر و انقطاع او از مظاهر دنیا در تعظیم و بزرگداشت و تواضع و خشوع نسبت به شعائر الهی است. پس حکمت مذکور حاکی از رجحان پیاده‌روی در زیارت است.

وجه پنجم: پیاده‌روی مصداق مودت به ذی القربی

در قرآن کریم مودت و مهرورزی به خویشان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مزد رسالت آن حضرت صلی الله علیه و آله دانسته شده است، آنجا که می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ». (شوری: ۲۳) در گزارش‌های روایی موجود در منابع حدیثی، تاریخی و تفسیری، مراد از خویشان، اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله معرفی شده است (بخاری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۰۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۴۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۶۸) و مفسران و عالمان بسیاری در این زمینه قلم زده‌اند و هیچ نظری را بر آن برتری نداده‌اند. از این میان می‌توان به زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۰ - ۲۲)، فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۱۶۶)، قرطبی (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۶، ص ۲۳)، خطیب شربینی (شربینی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۵۳۷ و ۵۳۸) و آلوسی (آلوسی، بی تا، ج ۲۵، ص ۳۱ و ۳۲) اشاره کرد و بر فرض

که مراد از قربا خویشان پیامبر ﷺ به معنای اعم باشد، قطعاً مقصود از قربا نمی‌تواند همه خویشان پیامبر ﷺ باشد؛ چراکه در میان آنان کسانی به چشم می‌خورند که با توجه به عملکرد نادرستشان، نمی‌توان به آنان علاقه‌مند بود؛ افرادی چون ابولهب که عموی پیامبر ﷺ بود. بنابراین نمی‌توان مودت و دوست داشتن کسی را، صرفاً با اتکا به خویشاوندی او با پیامبر ﷺ، مزد رسالت دانست.

بر اساس این مقدمه، یکی از مصادیق تام و کامل برای ابراز مودت و دوستی و محبت به اهل بیت ﷺ، مخصوصاً برای مسلمانانی که دوران حیات آنان را درک نکرده‌اند، زیارت قبور آنان با پای پیاده است؛ به گونه‌ای که حضور پررنگ زائران در پیاده‌روی برای زیارت ایشان، یکی از شاخص‌ترین نمادهای عشق و پیوند قلبی محبان اهل بیت ﷺ با ایشان است و به نوعی تجدید پیمان استوار با این انوار مقدس در اوج شور و شعور دینی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به مصادر روایی و فتوایی، حکم به استحباب پیاده‌روی در برخی عبادات در شریعت اسلامی ثابت است؛ همان‌طور که در افضلیت پیاده‌روی برای زیارت امام علی ﷺ و امام حسین ﷺ، به تصریح روایات معتبر و فتوای علما، شکی نیست. در راستای تبیین تسری حکم فضیلت پیاده‌روی از مصادیق مذکور به مصادیق دیگر، روشن شد وجوه مذکور، صلاحیت اثبات حکم استحباب برای پیاده‌روی در زیارت قبور مطهر و اماکن مقدس را دارند.

پی نوشت

۱. در برخی گزارش‌ها چنین آمده است: «مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَزُورَ قُبُورَنَا فَلْيَزُرْ قُبُورَ صُلَحَاءِ إِخْوَانِنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۹ و ۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱۱).

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
۱. آلوسی، خیر الدین (بی تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت.
 ۲. ابن ابی الحاتم، عبدالرحمان بن محمد (بی تا)، تفسیر القرآن العظیم، المكتبة العصرية، بیروت.
 ۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۴۰۵ق.)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، دارسید الشهداء للنشر، قم.
 ۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
 ۵. ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ق.)، المهذب، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
 ۶. ابن تیمیه، تقی الدین (۱۹۹۵م)، مجموع الفتاوی، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية.
 ۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق.)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، دارالریان للتراث، قاهره.
 ۸. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (بی تا)، تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، داراحیاء التراث العربی، بی جا.

٩. _____ (٢٠٠٠م)،
الجوهر المنظم فى زيارة القبر الشريف
النبوى المكرم، مكتبة مدبولى، قاهره.
١٠. ابن سعد، محمد (١٣٧٤ش.)، الطبقات
الكبرى، ترجمه: محمود مهدوى دامغانى،
تهران.
١١. ابن عبدالواحد، محمد (بى تا)، شرح فتح
القدير، دارالفكر، بيروت.
١٢. ابن عساکر، على بن الحسن (١٤٠٧ق.)،
تاريخ مدينة دمشق، داراحياء التراث
العربى، بيروت، چاپ سوم.
١٣. ابن قدامه، عبدالله (بى تا)، المغنى،
دارالكتاب العربى للنشر والتوزيع، بيروت.
١٤. ابن قولويه، ابوالقاسم (١٣٩٨ق.)، كامل
الزيارات، دارالمرتبضوية، نجف اشرف.
١٥. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧ق.)،
البداية و النهاية، دارالفكر، بيروت.
١٦. ابن منظور، ابوالفضل (١٤١٤ق.)،
لسان العرب، دارصادر، لبنان.
١٧. احمد بن حنبل (١٤٢٠ق.)، مسند الإمام
أحمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، چاپ
دوم.
١٨. بحرانى، يوسف (١٤٠٥ق.)، حدائق
الناضرة فى احكام العتره الطاهرة، دفتر
انتشارات اسلامى، قم.
١٩. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤٠٧ق.)،
- صحيح البخارى، دارابن كثير، بيروت،
چاپ دوم.
٢٠. ترمذى، محمد بن عيسى (١٤٠٣ق.)،
سنن الترمذى، داراحياء التراث العربى،
بيروت، چاپ دوم.
٢١. جصاص، ابوبكر (١٤٠٥ق.)، أحكام
القرآن، داراحياء التراث العربى، بيروت.
٢٢. جمل، سليمان بن عمر، حاشية الجمل
على المنهج لشيخ الإسلام زكريا
الأنصارى، دارالفكر، بى جا.
٢٣. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله
(١٤١١ق.)، المستدرک على الصحيحين،
دارالكتب العلمية، بيروت.
٢٤. حائرى، سيد كاظم، الفتاوى المتتخبة
(مجموعة إجابات فى فقه العبادات و
المعاملات)، نرم افزار فقه اهل بيت عليهم السلام.
٢٥. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٩ق.)،
وسائل الشيعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
٢٦. حصكفى، علاء الدين (١٣٨٦ق.)، الدرر
المختار فى شرح تنوير الأبصار، دارالفكر،
بيروت.
٢٧. خليل بن احمد (١٤١٠ق.)، كتاب العين،
منشورات الهجرة، قم.
٢٨. راغب، حسين (١٤١٢ق.)، المفردات فى
غريب القرآن، دارالعلم - الدار الشاميه،
دمشق - بيروت.

۲۹. رملى، محمد (۱۴۰۴ق.)، **نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج**، دارالفكر للطباعة، بيروت.
۳۰. زمخشرى، محمود (۱۴۰۷ق.)، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، دارالكتاب العربى، بيروت.
۳۱. سبزوارى، عبدالاعلى (۱۳۸۸ق.)، **مهذب الاحكام**، دارالتفسير، قم.
۳۲. سمهودى، نورالدين (۱۴۱۹ق.)، **وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى ﷺ**، دارالكتب العلمية، بيروت.
۳۳. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (۱۹۹۳م)، **الدر المشور فى التفسير بالمأثور**، دارالفكر، بيروت.
۳۴. شربىنى، محمد بن احمد (۱۳۷۷ق.)، **مغنى المحتاج**، دارأحياء التراث العربى، بيروت.
۳۵. شهيد اول، محمد بن مكى (۱۳۷۷ش.)، **ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة**، مؤسسة آل البيت لأحياء التراث، قم.
۳۶. شهيد ثانى، زين الدين بن على (۱۴۰۲ق.)، **روض الجنان فى شرح ارشاد الذهان**، دفتر انتشارات اسلامى، قم.
۳۷. _____ (۱۴۱۳ق.)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم.
۳۸. شيخ بهايى، محمد بن عزالدين (۱۳۸۴ش.)، **منهاج النجاح**، نشر حكمت، تهران، چاپ ششم.
۳۹. صاحبقرانى، محمد تقى (۱۴۱۴ق.)، **لوامع صاحبقرانى**، مؤسسه اسماعيليان، قم.
۴۰. صدوق، محمد بن على (۱۴۰۶ق.)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، دارالشريف الرضى، قم، چاپ دوم.
۴۱. _____ (۱۴۱۳ق.)، **كتاب من لا يحضره الفقيه**، دفتر انتشارات اسلامى، قم، چاپ دوم.
۴۲. صيمرى، مفلح بن حسن (۱۴۱۷ق.)، **كشف الالتباس عن موجز أبى العباس**، مؤسسه صاحب الأمر عليه السلام، قم.
۴۳. طباطبايى يزدى، سيد كاظم (۱۴۱۹ق.)، **العروة الوثقى (المحشى)**، دفتر تبليغات اسلامى، قم.
۴۴. طباطبايى، سيد على (۱۴۱۷ق.)، **رياض المسائل**، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم.
۴۵. طباطبايى، محمد حسين (۱۴۱۷ق.)، **الميزان فى تفسير القرآن**، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم.
۴۶. طبرسى، فضل بن حسن (بى تا)، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، مؤسسه الاعلمى، بيروت، چاپ دوم.

۴۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق.)، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
۴۸. طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت.
۴۹. _____ (۱۴۰۷ق.)، تهذیب الأحکام، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
۵۰. _____ (۱۴۱۱ق.)، مصباح المتهدج، مؤسسۀ فقه الشیعة، بیروت.
۵۱. _____ (۱۴۰۰ق.)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ دوم.
۵۲. عاملی، محمد بن علی (م ۱۴۱۱ق.)، مدارک الأحکام، مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام، بیروت.
۵۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق.)، تذکرة الفقهاء، مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام، لاحیاء التراث، قم.
۵۴. _____ (۱۴۱۲ق.)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد.
۵۵. عینی، بدرالدین، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۵۶. غزالی، محمد، (بی تا)، إحياء علوم الدین، دارالمعرفة، بیروت.
۵۷. _____ (۱۴۱۷ق.)، الوسيط فی المذهب، دارالسلام، قاهره.
۵۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق.)، التفسیر الکبیر، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
۵۹. فیومی، احمد، المصباح المنیر، منشورات دارالرضی، قم.
۶۰. قرطبی، شمس الدین (۱۳۸۴ق.)، تفسیر القرطبی، دارالکتب المصریة، قاهره، چاپ دوم.
۶۱. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۳ش.)، هدیه الزائرین و بهجة الناظرین، مؤسسۀ جهانی سبطين علیهم السلام.
۶۲. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بی تا)، هدی المتقین إلى شریعة سید المرسلین، بی نا، نجف اشرف.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق.)، الکافی، نشر دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
۶۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق.)، بحار الأنوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
۶۵. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق.)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات

- اسلامی، قم.
۶۶. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق.)،
جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه
آل البيت عليه السلام، قم.
۶۷. _____ (۱۴۰۹ق.)،
رسائل المحقق الكرکی، كتابخانه آیت الله
مرعشی نجفی، قم.
۶۸. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ق.)،
المعتبر فی شرح المختصر، دفتر انتشارات
اسلامی، قم.
۶۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۱ق.)،
كتاب الحج، چاپخانه مهر، قم.
۷۰. محمد بن هلال (۱۴۱۰ق.)، الغارات،
دارالمتاب الاسلامی، قم.
۷۱. مشهدی (۱۴۱۲ق.)، المزار الكبير، دفتر
انتشارات اسلامی، قم.
۷۲. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق.)، كتاب
المزار، كنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم.
۷۳. _____ (۱۴۱۳ق.)، المقنعه،
كنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم.
۷۴. میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق.)، العناوین
الفقهية، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۷۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق.)، جواهر
الكلام فی شرح شرائع الإسلام، دارإحياء
التراث العربي، بیروت، چاپ هفتم.
۷۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق.)،
مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسه
آل البيت عليه السلام، قم.
۷۷. نراقی، ملا مهدی (۱۳۸۵ش.)،
جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی،
قائم آل محمد، قم.
۷۸. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ق.)،
سنن النسائی الكبرى، دارالکتب العلمیة،
بیروت.
۷۹. نعمان بن محمد (۱۳۸۵ش.)، دعائم
الإسلام، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم.
۸۰. نووی، یحیی (۱۳۹۲ق.)، شرح النووی
على المسلم، دارإحياء التراث العربی،
بیروت، چاپ دوم.
۸۱. _____ (بی تا)، المجموع، دارالفکر،
بیروت.
۸۲. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح
مسلم، دارإحياء التراث العربی، بیروت.

